

بررسی رابطه بین نوع مالکیت و وضعیت مرتع با تاکید بر مراتع ییلاقی شهرستان

اراک

معصومه سادات حسینی نسب^۱ - حسین بارانی^۲ - قاسمعلی دیانتهی تیلکی^۳

چکیده:

شیوه‌های بهره‌برداری از مراتع جهت چرای دام در قالب سه نوع نظام بهره‌برداری افزایشی، مشاعی و شورایی تعریف می‌شود که از کارایی اجتماعی متفاوتی برخوردارند. هدف از انجام این پژوهش سنجش کارایی هر یک از نظام‌های بهره‌برداری و تاثیر آن بر مدیریت و وضعیت مرتع است. با توجه به این موضوع، اقدام به مقایسه مدیریت افزایشی، مشاعی و شورایی از نظر وضعیت، تعداد دام مازاد در واحد سطح و سطح حداقل مرتع برای هر بهره‌بردار گردید و شیوه‌های مختلف از نظر این عوامل مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. در این راستا نقشه سامان عرفی مراتع شهرستان اراک جهت اندازه‌گیری عوامل ذکر شده انتخاب گردید و وضعیت مرتع در هر سامان اندازه‌گیری شد. نتایج نشان می‌دهد شیوه افزایشی به عنوان مطلوب‌ترین شیوه در جهت حفظ وضعیت و بهبود مراتع و سطح حداقل مرتع بیشتر برای هر بهره‌بردار معرفی گردید و پایداری اجتماعی مطلوب‌تر این شیوه، موثر شناخته شد. به علت چرای مفرط و چرای بیش از ظرفیت مرتع در همه مدیریت‌های مطالعه شده رابطه معنی‌داری بین دام مازاد و انواع مالکیت مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: نظام‌های بهره‌برداری - وضعیت مرتع - دام مازاد در واحد سطح

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد مرتعداری دانشگاه تربیت مدرس

^۲ - عضو هیات علمی دانشگاه منابع طبیعی گرگان

^۳ - عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

حق مالکیت یکی از مهم‌ترین ابزار برای رسیدن به توسعه پایدار و مدیریت منابع طبیعی و مشوق اعضا برای ادامه مالکیت است (Anwar، 2005). مرتع پایه‌ترین عامل تولید در دامداری سنتی محسوب می‌شود (پاپلی یزدی و لباف خانیکی، 1379) و استفاده از آن به عنوان منبع مهم و اصلی تغذیه دام از قدیم الایام مرسوم بوده است (I.Gaido.t et a، 2001). از آنجا که بخش مهمی از مراتع در چارچوب نظام سنتی بهره‌برداری می‌گردد (ازکیا، 1365) شناخت دقیق جنبه‌های این نظام در مدیریت و مالکیت مرتع ضروری است (فراهانی‌فرد، 1384).

در نظام سنتی (عرفی) در ایران مراتع به دو صورت مورد بهره‌برداری روستاییان قرار می‌گیرد؛ مراتع حریم که جزئی از روستا بوده دارای مرز مشخص است و دام روستائیان در تمام محدوده حریم چرا به شکل گله مشترک بین چند خانوار و یا تمام ده چرا می‌کند. مراتع عمومی به شیوه‌های مختلف بهره‌برداری می‌گردد. بر اساس سامان عرفی حق بهره‌برداری از چرا به بهره‌برداران دارای صلاحیت، به صورت جمعی (تحت عنوان مشاع) یا به صورت فردی (تحت عنوان افرازی) در قالب پروانه چرا داده می‌شود (خلیقی، 1383). مراتع با مالکیت مشاعی، واحدهای اجتماعی با اعضای معین، مرز مشخص، بهره‌برداری مشترک، تعامل بین اعضا، وجود فرهنگ استفاده مشترک بین اعضا و با سیستم قدرت داخلی تعریف می‌شود (Bromley، 1991). در این گونه از مراتع یورتهای جداگانه و خاصی برای هر واحد بهره‌برداری (پروانه چرا) وجود ندارد (پاپلی یزدی و لباف خانیکی، 1379). مرتع افراز مراتع تحدید حدود شده‌ای می‌باشد که معمولاً تک پروانه‌ای هستند و تعداد بهره‌بردار آن از یک تا چند نفر بر اساس سیاهه لیست پروانه می‌باشد. این مراتع جز انفال محسوب شده و شخص استفاده کننده حق فروش ندارد. افراد حق بهره‌برداری در حد قابل قبول از نظر اجتماعی را داشته و موظف به دوری از بهره‌برداری‌های غیر مجاز می‌باشند و سایرین مکلف به رعایت حقوق افراد هستند (فراهانی‌فرد،

صادقی (1385). در مراتع شورایی تک پروانه، پروانه چرا به نام شورا صادر شده است و ساکنین روستا بر اساس سیاهه لیست پروانه مرتعداری از مراتع حریم روستا بهره می‌برند. در مرتع شورایی چند پروانه، پروانه چرا علاوه بر شورای روستا به نام نماینده بهره‌برداران نیز صادر شده است که عموماً به خاطر وسعت زیاد این مراتع (مراتع حریم و مراتع عمومی) و تعداد زیاد دام بهره‌برداران صادر شده است. درباره نظام بهره‌برداری، نظرات متفاوت و متناقضی وجود دارد و در عین حال شناخت دقیقی از آن وجود ندارد. مطالعاتی (باقری، 1373، پذیره، 1373، مهدی‌زاده 1379 و Verdin و همکاران 2007) اثرات مالکیت مشاعی را بر روی تخریب منابع طبیعی بررسی نموده‌اند. با توجه به سنتی بودن نظام بهره‌برداری در ایران به طور مشخص نظام‌های افزایش، مشاع و شورایی مورد بحث قرار نگرفته‌اند. مطالعه حاضر در نظر دارد مالکیت مرسوم در وضعیت موجود (شورایی، افزایش، مشاعی) در منطقه مراتع شهرستان اراک را مورد بحث قرار دهد، تا با توجه به وضعیت بهره‌برداران بهترین شکل بهره‌برداری که حفاظت بیشتر منابع طبیعی و دستیابی به توسعه پایدار منابع را در بر گیرد، مشخص نماید.

Hess و Holecek (1995) با مطالعه تاثیر سیاست‌های دولت بر روی وضعیت مرتع که توسط BLM (اداره مدیریت اراضی) و اداره جنگل در ایالت متحده صورت گرفته بود گزارش دادند که مدیریت مرتع در رابطه با بهبود یا تضعیف وضعیت مرتع، تاثیرگذار می‌باشد و بیان می‌کنند دارندگان پروانه چرا، علاقه زیادی به برداشت حداکثر علوفه از خود نشان می‌دهند و دولت برای جلوگیری از شدت چرا، ناگزیر است علوفه حمایتی در اختیار مرتع‌داران قرار دهد.

Bogale و همکاران (2006) اطلاعات حوزه آبخیز Hirna در شرق اتیوپی را به منظور شناسایی عوامل تعیین کننده بهره‌برداران، در تعیین نظام بهره‌برداری و کاهش اثرات منفی تجاوزات بر سر زمین را بررسی کردند. مشاهده شد که عدم حضور مدیریت و حق بهره‌برداری مشخص سبب بهره‌برداری مفرط و تداوم فقر و عدم تضمین غذا می‌شود.

رنگ آوران (1378) تاثیر تعداد بهره‌بردار و مساحت مراتع واگذار شده بر روی وضعیت مرتع را بررسی نمود. در این تحقیق از روش میدانی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد تعداد بهره‌بردار و همچنین مساحت مراتع واگذار شده در وضعیت مراتع منطقه سبلان تاثیر دارد. در ارتباط با مساحت سرانه بهره‌بردار، بیشترین مساحت سرانه مرتع، باعث بهترین وضعیت در این منطقه بوده است، مدیریت مرتع در این منطقه در قالب کمترین تعداد بهره‌بردار موجب بهبود وضعیت مراتع گردیده است.

ابراهیم‌پور و ازکیا(1382) پایداری اکولوژیک مراتع با تکیه بر نظام‌های بهره‌برداری در مراتع استان کردستان و آذربایجان شرقی که با روش پرسشنامه و پیمایشی صورت گرفته است، را مورد مطالعه قرار دادند. عامل پایداری اکولوژیک را از شاخص‌های وضعیت مرتع، گرایش، مدیریت اجرایی، مدیریت بهره‌برداری حفاظت آب و خاک و رعایت ظرفیت مجاز چرا با انجام تحلیل عاملی بدست آوردند. نتایج نشان داد نظام تعاونی بالاتر از طرح‌های مرتع‌داری و در هر دو بالاتر از واحدهای سنتی است.

روش تحقیق

استان مرکزی با مساحت 1/9 میلیون مترمکعب، 12 درصد سطح استان در اقلیم ارتفاعات واقع شده، 38 درصد آن در منطقه نیمه بیابانی و حدود 50 درصد باقیمانده دارای آب و هوای معتدل کوهستانی است. مساحت مراتع منطقه بر اساس آمار منتشر شده 304864 هکتار است. بخش عمده مراتع منطقه (بالغ بر 80٪) دارای وضعیت فقیر تا خیلی فقیرند. گیاه غالب منطقه را می‌توان گونه‌های درمنه دشتی، درمنه کوهی، شال دم، انواع گون‌ها، جارو، ورک، شیرسگ، گلرنگ وحشی، علف گندمی و... نام برد (آمارمنتشره از اداره مرتع). جامعه آماری این تحقیق 151 مرتع شهرستان اراک است که به روش کوکران 27٪ مراتع به روش تصادفی انتخاب شد و نمونه‌ها بر اساس پروانه‌چرایی بین سه گروه افراز، مشاع و شورایی به روش سهمیه‌بندی (طالب، 1385) تقسیم‌بندی شد.

مشخصات بهره‌بردار (شامل سن و سواد، تعداد دام مجاز و موجود)، مشخصات مرتع (شامل نام مرتع و مساحت مرتع)، نوع پروانه چرا و تعداد بهره‌بردار مرتع، تعداد دام موجود کل مرتع ثبت گردید. تعداد دام مجاز از اطلاعات پروانه چرا استخراج شد. وضعیت مرتع در هر سامان به روش چهارفاکتوری (خاک، درصد پوشش گیاهی، عامل ترکیب و طبقات سنی و بنیه و شادابی گیاهان) (خلیقی و همکاران، 1383) در هر تیپ گیاهی تخمین زده شد و در سامان‌هایی که از چند تیپ گیاهی تشکیل شده است از میانگین وزنی اعداد هر تیپ استفاده گردید

نتایج

نتایج حاصل از آزمون همبستگی کندال تاو حاکی از آن است که بین انواع مالکیت و وضعیت مرتع رابطه منفی و معنی داری در سطح 0/01 وجود دارد.

همانطور که در جدول 1 مشاهده می‌شود بین وضعیت مرتع و مساحت مرتع رابطه معنی دار وجود ندارد و عامل افزایش سطح بر روی وضعیت مرتع تاثیر ندارد. همچنین بین تعداد دام و وضعیت مرتع در سطح مرتع رابطه معنی دار و منفی وجود دارد و با افزایش تعداد دام وضعیت مرتع ضعیف تر می‌شود.

جدول شماره 1 رابطه بین برخی پارامترهای وضعیت بهره برداری و وضعیت مرتع

وضعیت مرتع	t	p
انواع مالکیت	0/01	-2/58
مساحت مرتع	0/176	-1/355
تعداد دام	0	-4.218

t ضریب همبستگی کندال تاو، * معنی داری در سطح 0/05، ** معنی داری در سطح 0/01

برای سنجش سطح معنی داری بین نوع مالکیت مراتع و وضعیت مرتع از آزمون F استفاده شد. در سطح 95 درصد تفاوت معنی داری بین چهار نوع مالکیت مراتع و وضعیت مرتع وجود دارد. وضعیت مرتع در افراز بهتر از دیگر حالتهاست (جدول 4-18). بین وضعیت مرتع و تعداد دام بر اساس آزمون F رابطه معنی داری مشاهده نشد.

جدول شماره 2 مقایسه وضعیت مرتع با انواع مالکیت استفاده از آزمون دانکن ($p < 0/05$)

نتیجه آزمون	میانگین وضعیت مرتع	نوع مالکیت
A	33/29	افراز
AB	28/4	مشاع
AB	28/31	شورای تک پروانه
B	26/38	شورای چند پروانه

با توجه به جدول 2 مشاهده می‌شود که مدیریت افرازی بهترین وضعیت مراتع را در شیوه‌های مختلف بهره‌برداری دارا می‌باشد و شیوه مشاعی در رده بعد قرار می‌گیرد. هر چند با مدیریت شواری تک پروانه اختلاف معنی‌دار ندارد. مراتع شواری چند پروانه بدترین حالت را از نظر وضعیت دارا می‌باشند. درمقایسه دام مازاد بر ظرفیت مراتع در شیوه‌های مختلف بهره‌برداری، با توجه به عدم وجود سطح معنی‌داری بر اساس آزمون F، بین انواع مراتع از این حیث رابطه معنی‌دار وجود ندارد. با توجه به جدول 3 مشاهده می‌شود در همه حالت‌ها دام مازاد در مرتع زیاد است.

جدول شماره 3 تعیین سطح معنی‌داری، میانگین دام مازاد در واحد سطح و انواع مالکیت مراتع

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	مقدار آزمون F	سطح معنی داری
میانگین دام مازاد در واحد سطح	4/36	3	1/45	1/09	0/36

جدول شماره 4 مقایسه تعداد دام مازاد در واحد سطح از آزمون دانکن ($p < 0/05$)

نتیجه آزمون	میانگین دام مازاد	نوع مالکیت
A	0/74	افراز
A	0/97	مشاع
A	1/51	شورای تک پروانه
A	1/53	شورای چند پروانه

درمقایسه سطح حداقل مرتع برای هر بهره‌بردار در شیوه های مختلف بهره‌برداری با توجه به عدم وجود رابطه معنی‌دار بر اساس آزمون F بین انواع مالکیت و میزان سطح تعلق گرفته رابطه معنی‌دار در سطح $(p < 0/05)$ وجود دارد.

جدول شماره 5 تعیین سطح معنی‌داری، میانگین دام مازاد در واحد سطح و انواع مالکیت مراتع

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	مقدار آزمون F	سطح معنی داری
حداقل سطح مورد نیاز	140616/4	3	46872/13	3/81	0/018

جدول شماره 6 مقایسه سطح حداقل مرتع برای هر بهره‌بردار با استفاده از آزمون دانکن $(p < 0/05)$

نتیجه آزمون	میانگین سطح حداقل	نوع مالکیت
A	186/1	افراز
AB	147/3	مشاع
B	58/76	شورای چند پروانه
B	42/15	شورای تک پروانه

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌گردد، سطح حداقل برای بهره‌برداران شیوه افزایشی بیشترین می‌باشد. هر چند با شیوه مشاعی تفاوت معنی‌دار ندارد و شیوه شواری چند پروانه و تک پروانه در یک سطح می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که مشاهده شد، مراتع افزایشی بهترین وضعیت مرتع را دارا بودند. با این‌که در شیوه افزایشی وضعیت مراتع حد مطلوب نداشت و نشان از تخریب مرتع در منطقه دیده می‌شد ولی موثرترین شیوه در بهبود مراتع منطقه و مدیریت انسجام یافته می‌توان معرفی شود. شیوه شواری چند پروانه به عنوان

نامطلوب‌ترین شیوه مدیریتی از نظر حفظ پایداری اکولوژیک معرفی می‌شود. بخصوص که در این مراتع علاوه بر پروانه چرای شورایی، مجوز چرا به یک یا چند بهره‌بردار نیز داده می‌شود.

تفاوت معنی‌داری در تعداد دام‌ها در شیوه‌های مختلف مدیریت مشاهده نشد علت این امر را می‌توان به عدم رعایت تعداد دام با ظرفیت مراتع و چرای مفرط دام در تمام مراتع دانست که با نظر خلیقی (1383) مغایرت دارد.

با نگاهی گذرا به تحقیقات گذشته می‌توان دریافت که انتخاب شیوه‌های افزایش به عنوان بهترین روش بهره‌برداری با یافته‌های باقری (1373)، ازکیا (1378)، خلیقی (1383)، **Mckean و Ostrom** (1995)، **Taeb و Ayalneh** (2006) همخوانی دارد و با نظر **Jun Li و همکاران** (2007) سیستم مشاعی با مقیاس کوچک را پیشنهاد داد، مغایرت دارد.

در انتها این تحقیق، شیوه مدیریت افزایش را به عنوان بهترین شیوه بهره‌برداری در حفظ و بهبود مراتع ارزیابی می‌کند و مدیریت مشاعی با تعداد بهره‌بردار کمتر را به عنوان شیوه مدیریت بعدی مطرح می‌کند. از دلایل این برتری وجود حس مشارکت قوی در این گروه، تخریب کمتر به منطقه می‌توان نسبت داد.

همچنین این تحقیق شیوه‌های مدیریت افزایش، مشاعی، شورایی را عامل اصلی تفاوت در مدیریت و تاثیر بر مراتع معرفی کرده است که با نتایج خلیقی (1383) همخوانی دارد.

منابع

- از کیا م.، 1365: جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران، 324 ص.
- از کیا م.، 1378: ابعاد اجتماعی موثر بر حفظ یکپارچگی اراضی مرتعی با تاکید بر استان های فارس و کهگیلویه و بویر احمد، جنگل و مرتع، 26، 45-39.
- باقری م ر.، 1372: بررسی مناسبترین نظام بهره برداری از مرتع (حوزه آبخیز کسلیان)، پایان نامه کارشناسی ارشد مهندسی مرتعداری، دانشگاه تهران، ایران، 134 ص.
- پاپلی یزدی، م، ح.، لباف خانیکی، م.، 1379: مرتع نظام های بهره برداری، تحقیقات جغرافیایی، شماره 15، پیاپی 56-57.
- پذیره م ع.، 1373: بررسی اشکال مالکیت و ارتباط آن با تخریب مراتع در حوزه آبخیز چوار(ایلام)، پایان نامه کارشناسی ارشد مهندسی مرتعداری، دانشگاه تهران، ایران، 158 ص.
- خلیقی م م.، 1383: بررسی شیوه های مختلف بهره برداری از مراتع و تاثیر آن در تخریب و بهبود مراتع (مطالعه موردی: حوزه سد امیرکبیر)، مجموعه مقالات سومین همایش ملی مرتع و مرتعداری ایران، تهران 17-19 شهریور، 737-753 الف.
- فراهانی فرد س.، 1384: سازگاری بهره برداری از منابع طبیعی با توسعه پایدار در اسلام، پایان نامه دکترای اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
- فراهانی فرد، س.، صادقی، ح.، 1385: ساختار مالکیت و تاثیر آن بر بهره برداری از منابع طبیعی (بررسی تطبیقی)، فصلنامه پژوهش های اقتصادی - سال 6، شماره 4.
- مهدی زاده، محسن. 1379: شناسایی عوامل موثر در تخریب منابع طبیعی (مرتع) و سهم هر یک در تخریب. پایان نامه کارشناسی ارشد . مرکز آموزش عالی امام خمینی.

- **Anwar, A.2005:** Unbalanced Rural and Regional Development .P4WP ress.Bogor.
- **Bogale A , Taeb M, Endo M., 2006:** Land Ownership and Conflicts Over the Use of Resources: Implication for Household Vulnerability in Eastern Ethiopia. Ecological Economics 58,134– 145pp.
- **Bromley D.W, .1991:** Environment and Economy. Property Right and Publicly. Oxford UK. Oxford University Press.
- **Holechek.L.and Hess. K.Jr1995:** Government policy influence on Rangeland condition in the united state: a case example. Environmental Monitoring-and-Assessment.37:1-292
- **Jun Li, W, H.Ali, S, Zhang Q,2007:** Property right and grassland degradation: A study of Xilingol Pasture, Inner Mongolia, China. Journal of Environmental Management, 461-470pp.
- **McKean M., Ostrom.,1995:.** Common Property Regimes in the Forest :Just a Relic from the Past? Unasyuva 46,2-15pp.
- Verdin, P.G., Kim, Y, S, Hospodarsky, D. Tecele, A., 2007:** Factors driving deforestation in common-pool resource in northern Mexico. Journal of Environmental Management1-10pp.